

چگونه توانستم مشکل دروغگویی دانش آموزم را تا حد زیادی برطرف کنم؟

سعیده رزاقی

۱. ایوب جمعی اداره کل آموزش و پرورش استان تهران، والد آموزش و پرورش ناحیه ۱ شهر ری، کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی - گردشگری -

دانشگاه علم و فرهنگ، گروه علوم تربیتی، ایران 76077697s@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: از آنجایی که شخصیت انسان در دوران کودکی شکل می گیرد، پس بهتر است قبل از اینکه او به فردی بالغ تبدیل شود، خصوصیات مثبت و پسندیده را در او تقویت کنیم تا با همان خصلت های نیکو به دیگر عرصه های زندگی قدم بگذارد. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی^۱ است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است. یافته ها: از نظر این پژوهش دروغگویی مانند بیماریهای دیگر روانی و عاطفی ابتدا از یک مسئله ساده و کوچک آغاز می شود و چنانچه به موقع درمان نشود به یک بیماری روحی تبدیل می شود. یکی از عوارض و مشکلات دروغگویی، بی اعتباری و سلب اعتماد مردم است. دروغ اعتماد دو جانبه بین افراد را از بین می برد و به آن لطمه می زند و سبب بدبینی می گردد. نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که ما باید استعدادها و خصوصیات منفی کودک را شناسایی کرده و سعی در از بین بردن آنها بکنیم. یکی از این انحرافات که یک نوع اختلال شخصیت در فرد محسوب می شود صفت ناپسند دروغگویی است. دروغگویی از جمله مسائلی است که همواره دغدغه خاطر مربیان، معلمان و اولیا قرار می گیرد. اکثر والدین از دروغگویی کودکان خود شکایت دارند ولی عامل شکل گرفتن این پدیده را در آنها نمی دانند و آگاهی چندانی برای برخورد با این پدیده زشت ندارند و اغلب دست به اقدامات عجولانه و تنبیهات ناروا و تحقیرات بی مورد می زنند که وضعیت را وخیم تر می کند.

کلیدواژه ها: دروغگویی، تحقیرات، بی اعتباری، سلب اعتماد، دانش آموز.

^۱ analytic-descriptive

مقدمه

دروغگویی زمانی اتفاق می افتد که آنان می خواهند چیزی را توصیف نمایند یا به اصطلاح آرزویی کنند که واقعیت آن چیزی بود که می خواستند. در سنین ۶ یا ۷ سالگی کودکان از زشتی این کار مطلع می شوند. دروغ معمولاً بیان خلاف واقع و یا کتمان یک واقعیت است بنا براین بین این دو جنبه تمایز قایل شویم. بیان خلاف واقع، ممکن است از روی عمد و یا به واسطه عدم قدرت تشخیص واقعیت باشد. مثلاً کودکی ممکن است چهار کودک را در کوچه دیده باشد و عده آنان را هفت نفر ذکر کند. یک دلیل این بیان غیر واقعی می تواند عدم قدرت تمیز بین ۴ و ۷ باشد و دلیل دیگر این است که او میخواهد بگوید عده بچه ها بی را که دیده خیلی بوده بنابراین آن را افزونتر از واقع بیان کند. بدیهی است که در این قسمت زمینه ذهنی، پیامد های رفتاری و تربیتی را مد نظر قرار دهیم و اگر مسأله عدم تشخیص یا درک ذهنی باشد در این صورت اطلاق دروغگویی بعید به نظر می رسد [۱] همچنین فاش شدن دروغ شخص باعث می شود تا آبروی او بریزد و ارزش و اعتبار خود را از دست بدهد. دیگر اینکه سخن فرد دروغگو را حتی در مواردی که راست هم بگوید، باور نمی کنند. علاوه بر همه اینها دروغ موجب دردسر و زحمت برای دروغگو و دیگران است و از عوارض آن از بین رفتن ایمان شخص و گمراهی می باشد. دروغ مانعی برای خودشناسی فرد است. افراد دروغگو غالباً خودشان را غیر از آنچه هستند نشان می دهند. آنها بر اثر تکرار دروغگویی باورشان می شود که واقعاً دارای توانایی هایی هستند و دروغ هایی را که درباره خودشان و دیگران گفته اند باور می کنند و به عنوان حقیقت می پذیرند. ظاهر این امر نشان دهنده یک شورش و انقلابی در درون فرد و حاکی از وجود احساساتی است که فردگویی از بازگو کردن آن وحشت دارد. رنجی در درون او وجود دارد که قادر به رفع و جبران آن نیست اگرچه در مواردی این زجر دادن متوجه خودش نیز می شود [۲]. اصل و مبنای دروغگویی می تواند غریزی باشد و وجود چنین نیرویی در جهت صیانت ذات با نظام خلقت هماهنگی و سازش دارد و تنها نحوه بروز آن در جامعه است که تحت تأثیر عوامل تربیتی - اجتماعی می تواند متفاوت باشد. [۳] اینجانب سعیده رزاقی در اقدام پژوهی فوق تلاش نموده ام تا از دروغگویی دانش آموزم آذر (اسم مستعار) جلوگیری کرده و راهکار های آن را در اختیار همکاران گرامی قرار دهم.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی توصیفی و مروری تحلیلی می باشد که با جستجو در مقالات علمی و کتاب های مختلف و اینترنت به تدوین آن پرداخته شده است. از جمله مهم ترین موتورهای جستجو و پایگاه های اطلاعاتی معتبر مورد استفاده در این تحقیق عبارت بودن از: تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام های ارتباطی به کار می رود. این شیوه ابتدا در علوم ارتباطات به کار گرفته شد و در حال حاضر، بخصوص در سال های اخیر این شیوه پژوهش در سایر علوم، از جمله علوم تربیتی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل محتوا به اعتقاد بیشتر صاحب نظران روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه های معینی در یک متن و یا مجموعه ای از متون استفاده می شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده ها می دانند. متن می تواند شامل کتاب، فصل یا فصل هایی از یک کتاب، نوشته ها، مصاحبه، گفتگو، عناوین و مقالات مطبوعات و اسناد تاریخی باشد.

مبانی نظری

بیان مسئله

بی گمان همه ما از دروغ گفتن و یا شنیدن آن احساس ناخوشایندی داریم. دروغ در مقابل راستگویی قرار دارد و در تمامی فرهنگ ها و جوامع امری زشت و ناپسند تلقی می شود. بررسی ریشه ای دلایل دروغگویی امری بسیار پیچیده است و نیاز به واکاوی شخصیت انسان ها دارد. اگرچه ممکن است بعضی آن را یک رفتار زنانه تلقی کنند، اما نتایج تحقیقات نشان می دهد که تفاوت معناداری بین مردان و زنان برای دروغگویی وجود ندارد. در خانواده نیز مواردی پیش می آید که والدین از دروغگویی بیش از حد فرزندان خود ابراز نگرانی می کنند [۴].

کودکان گاه برای جریحه دار نکردن احساسات دیگران، پنهان کردن احساسات یا واکنش های خود، فرار از تنبیه و دریافت پاداش و توجه، دروغ می گویند. نکته این جاست که واقعیت و تخیل در زندگی کودکان زیر ۶ سال در هم تنیده است و کودک

ممکن است هر آن چه را به ذهنش می رسد بر زبان آورد. به این نوع دروغ، «دروغ سیاه و سفید» می گوئیم. در بیشتر موارد چنین گفته هایی بسیار اغراق آمیز و غیرواقعی است. مثلا پسر بچه ۶ساله ای با هیجان به مادرش می گوید: «من دیروز یک غول دیدم!» در واقع دروغ بیان کننده حقایق مربوط به امیدها و دلپره ها و آشکار کننده آن چیزی است که فرد می خواهد باشد. والدین از طریق اطلاعاتی که از گفته های دروغین کودک کسب می کنند، می توانند به کودک کمک کنند تا واقعیت را از افکار پوچ و خیالی تشخیص دهد [۵].

راست گویی و صداقت، نشانه اصالت و شخصیت انسان است. خمیرمایه انسان با راستی عجین شده است. به همین دلیل هنگامی که از مادر متولد می شود، تمام کارها، نگاه ها و گریه ها و خنده هایش براساس صداقت می باشد. همچنین وقتی زبان باز می کند، راستی از گفتارش معلوم است. او نمی تواند دروغ بگوید و باید آن را بیاموزد. دهخدا در لغت نامه خود صداقت و راستگویی را سخن راست، قول حق، فعل و عمل حق می داند و دروغگویی را سخن ناراست، قول ناحق، خلاف حقیقت، مقابل راست و مقابل صدق تعریف می کند [۶].

صداقت و راستی انواعی دارد؛ از جمله: صداقت در گفتار، صداقت در رفتار، صداقت در وعده و قول و قرارها، صداقت در امضاها و تعهدات، راستی در معاشرت، در معاملات و دادوستدها، صداقت با خدا و با خویشتن و با مردم، صداقت در هر کدام از این موارد مفهوم خاصی پیدا می کند [۷].

اهمیت مساله

از آنجایی که شخصیت انسان در دوران کودکی شکل می گیرد، پس بهتر است قبل از اینکه او به فردی بالغ تبدیل شود، خصوصیات مثبت و پسندیده را در او تقویت کنیم تا با همان خصلت های نیکو به دیگر عرصه های زندگی قدم بگذارد. ما باید استعدادها و خصوصیات منفی کودک را شناسایی کرده و سعی در از بین بردن آنها بکنیم. یکی از این انحرافات که یک نوع اختلال شخصیت در فرد محسوب می شود صفت ناپسند دروغگویی است. دروغگویی از جمله مسائلی است که همواره دغدغه خاطر مربیان، معلمان و اولیا قرار می گیرد. اکثر والدین از دروغگویی کودکان خود شکایت دارند ولی عامل شکل گرفتن این پدیده را در آنها نمی دانند و آگاهی چندانی برای برخورد با این پدیده زشت ندارند و اغلب دست به اقدامات عجولانه و تنبیهات ناروا و تحقیرات بی مورد می زنند که وضعیت را وخیم تر می کند.

توصیف وضع موجود

اینجانب سعیده رزاقی کارشناس اداری آموزش و پرورش ناحیه یک شهرری هستم و افتخار خدمت در آموزش و پرورش را دارم. در سال تحصیلی اخیر نکته ای که توجه مرا به خود جلب نمود دروغگویی تعدادی از دانش آموزان و مخصوصا یکی از آنان به نام آذر (اسم مستعار) بود و با توجه به شواهدی که داشته ام مسئله مورد نظرم که مشکل اخلاقی و انضباطی دانش آموزان به قرار زیر بود:

در روزهای آغازین سال تحصیلی متوجه برخی دروغگویی از جانب تعدادی از دانش آموزان مخصوصا آذر شدم به حدی که این مسئله نوعی گریز و بیزاری به من القا کرد. اما بعد از دو سه روز از سال تحصیلی متوجه شدم که با صحبت های من آذر کمی صادق تر و متمایل تر به راستگویی شده بود و کمی جو مدرسه رو به دوستی پیش می رود و به این نتیجه رسیدم که می توان از در دوستی با ایشان وارد شد.

اهداف:

هدف اصلی:

جلوگیری از خصلت دروغگویی در دانش آموز

اهداف جزئی:

بررسی علل دروغگویی در دانش آموز

بکارگیری روش های مناسب برای جلوگیری از دروغگویی در دانش آموز

گرد آوری شواهد یک

برای اینکه مسئله ای که ذهنم را به خود مشغول کرده بود، برایم روشن تر شود و دلایل رفتارهای غیر-عادی او را مورد بررسی قرار دهم، درصدد جمع آوری اطلاعات از روشها و منابع مختلف برآمدم.

روشهایی که در این پژوهش از آنها بهره گرفته شده، عبارتند از :

۱ - مشاهده رفتار دانش آموز در موقعیت های مختلف

۲ - مصاحبه با خود دانش آموز و والدین او

۳ - اجرای پرسشنامه

۴ - اجرای گروه سنجی در کلاس

منابع کسب اطلاعات مورد نیاز به قرار زیر می باشد:

الف : خود دانش آموز

ب : والدین دانش آموز

ج : همکلاسی های او

د : آموزگاران سال های گذشته

ه : پرونده تحصیلی وی

در اولین مرحله به سراغ مربی پیش دبستان سال گذشته آذر رفتم و نظرشان را در مورد رفتار وی جویا شدم. که ایشان هم از او ناراضی بودند. ایشان وی را به دروغگویی برای مطرح کردن خود، متهم می کردند و حتی چندین نوبت توسط مربی از کلاس اخراج شده بود.

همکلاسی های آذر هم او را فردی می دانستند که فقط به فکر خودش است، حرف خودش را قبول دارد و حاضر نیست به نظرات دیگر دانش آموزان توجه کند .

برای بررسی دقیق از وضعیت آذر و از آنجایی که یکی از منابع کسب اطلاعات در مورد دانش آموز، خود او می باشد، از وی دعوت کردم که وقتی کلاس تمام شد به دفتر مدرسه بیاید و از او در مورد علایق اش سؤال کردم و اینکه اوقات فراغت چه می کند؟ او بیان داشت که خوشم از دروغگویی نمی آید ولی بعضی اوقات نمی دانم چرا دروغ می گویم.

لازم به ذکر است در جلسه اول به جهت اعتماد او، تنها صحبت درباره علایق و خواسته هایش اکتفا نمودم. برای گردآوری اطلاعات دقیق تر پرسشنامه ای تهیه نمودم و در اختیار مربی و اعضای کادر پیش دبستانی قبلی آذر قرار دادم تا در مورد خصوصیات رفتاری او اظهار نظر نمایند که براساس نتایج استخراج شده از اجرای این پرسشنامه حالات و رفتارهای زیر بیشترین فراوانی را داشت.

۱ - جر و بحث زیاد و بی مورد

۲ - عدم توجه به خواسته ها و نظرات اطرافیان

۳ - عدم توانایی در کنترل احساسات و عواطف

۴ - مقاومت کردن در پذیرش سخنان اطرافیان

۵ - مطرح کردن سئوالات زیاد و دروغگویی

در مورد رابطه اش با اعضای خانواده سؤال کردم، گفت: " آنها مرا درک نمی کنند و کارهایم را جدی نمی گیرند. همیشه به دنبال اشکال گرفتن از کارهایم هستند، خیلی نصیحت می کنند، که این کارها مرا خیلی ناراحت و عصبی می کند، فکر می کنند که هنوز بچه ام و چیزی نمی فهمم!"

تصمیم گرفتم با والدین وی صحبت نمایم و به همین خاطر چند بار به آنها گفتم ولی مراجعه نمی کردند چند بار هم به خود دانش آموز گفتم که باید پدر و یا مادرش به مدرسه بیایند تا با هم حرف بزنیم ولی نتیجه ای نمی گرفتیم. یک روز که به وی بسیار اصرار نموده بودم دانش آموز مورد نظر آمد و گفت که مادرم مسافرت است . بنا بر این به دفتر رفتم و شماره پدرش را

گرفتم و با وی تماس گرفتم. و در مورد مشکلاتی که در ارتباط با من و همکلاسی ها داشت مسائلی را مطرح نمودم، وی ضمن تایید این مطالب معتقد بود که آذر خیلی دروغگوست و ما را هم دچار درد سر کرده است، به همه چیز اشکال می گیرد، هیچکس را قبول ندارد و در خانه انتظار دارد همه دستورات او را اجرا کنند. برای تکمیل اطلاعات بدست آمده به متون و کتب و مقالاتی که در ارتباط با دروغگویی و ویژگیهای کودکان سر آمد، در اختیار داشتم، مراجعه نمودم که به خلاصه ای از موارد مطرح شده مرتبط با مشکل دانش آموز مورد بررسی، اشاره می شود.

پرسشنامه :

برای سنجش دروغ گویی دانش آموز پرسشنامه زیر را تنظیم و در اختیار دانش آموز قرار دادم و از او خواستم تا به دقت و صداقت آن را پر نماید.

- ۱) آیا گاه و بیگاه دروغ مصلحتی می گوئید؟ بلی خیر نمی دانم
- ۲) آیا تا به حال چیزی از دانش آموزان دیگر برداشته اید؟ بلی خیر نمی دانم
- ۳) آیا تا به حال خودتان را به تمارض زده و مرخصی از مدرسه گرفته اید؟ بلی خیر نمی دانم
- ۴) آیا تا به حال برتر از آنچه که هستید به معلم نشان داده اید؟ بلی خیر نمی دانم
- ۵) آیا طوری رفتار می کنید که دیگران شما را بهتر از آنچه هستید، در نظر بگیرند؟
بلی خیر نمی دانم
- ۶) اگر بدانید که یکی از دوستان تان دروغ می گوید، آیا از او حمایت می کنید؟
بلی خیر نمی دانم
- ۷) آیا حاضرید دوست تان بابت کار خلافی که شما مرتکب شده اید، اشتباهاً مورد تنبیه و مجازات قرار گیرد؟
بلی خیر نمی دانم
- ۸) اگر به طور کاملاً اتفاقی به جایی خسارتی وارد کرده باشید، آیا بدون پرداخت خسارت و یا معرفی خود محل را ترک می کنید؟
بلی خیر نمی دانم
- ۹) اگر در خیابان یا اماکن عمومی، کیفی پر از پول پیدا کنید، آیا از تحویل آن به کلانتری یا ماموران پلیس خودداری می کنید کیف را برای خودتان برمی دارید؟
بلی خیر نمی دانم
- ۱۰) آیا برای نوشتن تکالیف خود به معلم دروغ گفته اید؟
بلی خیر نمی دانم
- ۱۱) آیا به پدر و مادر خود دروغ گفته اید؟
بلی خیر نمی دانم
- ۱۲) آیا اگر کار خلافی از دانش آموزان دیگر دیده باشید به معلم و مسئولین مدرسه اطلاع نمی دهید؟
بلی خیر نمی دانم
- ۱۳) اگر مغازه داری، هنگام پس دادن پول تان، زیادی برگرداند، آیا مبلغ اضافی را برای خودتان برمی دارید؟
بلی خیر نمی دانم
- ۱۴) اگر شیشه ای را بشکنید، آیا از پرداخت خسارت آن خودداری می کنید؟
بلی خیر نمی دانم
- ۱۵) آیا از کنار تابلوها و علائم هشداردهنده در اماکن عمومی، مثل «وارد محوطه چمن نشوید»، بی اعتنا عبور می کنید؟
بلی خیر نمی دانم

نحوه محاسبه امتیاز آزمون:

به ازای هر پاسخ «خیر» ۲ امتیاز و به ازای هر پاسخ «نمی دانم» یک امتیاز در نظر گرفتیم. (توجه داشته باشید که پاسخ «بلی» امتیازی ندارد.) حالا کفایت مجموع امتیازات خود را که عددی بین صفر و ۳۰ خواهد بود به دست آورید:

- امتیاز بین ۲۶ تا ۳۰: نمایانگر آن است که فردی به شدت و به حد افراط درستکار، صادق، شریف، روراست و راستگو و پاکدست می باشد.

- امتیاز بین ۲۲ تا ۲۵: نمایانگر آن است که فردی کاملاً درستکار، صادق، شریف، روراست و راستگو می باشد.

- امتیاز بین ۱۸ تا ۲۱: نمایانگر آن است که فردی بالای متوسط می باشد.

- امتیاز بین ۱۳ تا ۱۷: نمایانگر آن است که فردی میانه حال و متوسط می باشد.

- امتیاز بین ۹ تا ۱۲: نمایانگر آن است که فردی تا حدی حقه باز متقلب و دروغگو می باشد.

- امتیاز بین ۵ تا ۸: نمایانگر آن است که فردی حقه باز، متقلب و دروغگو می باشد.

- امتیاز بین ۰ تا ۴: نمایانگر آن است که فردی به شدت حقه باز، متقلب و دروغگو می باشد.

نکته:

بخاطر اینکه ضریب پاسخگویی دانش آموز را در پاسخنامه به علت اینکه شاید پاسخ ها را صادقانه پر نکرده باشد، از موارد کمک از پدر و مادر، معلم ها و مسئولین مدرسه و سایر دانش آموزان برای جمع آوری و اعتبار سنجی پاسخ های وی استفاده کردم.

جدول دوجهی پاسخ ها:

امتیاز	نمی دانم	خیر	بلی	پاسخ ها شماره سوال
۰			✓	۱
۰			✓	۲
۰			✓	۳
۰			✓	۴
۰			✓	۵
۲		✓		۶
۰			✓	۷
۰			✓	۸
۲		✓		۹
۰			✓	۱۰
۲		✓		۱۱
۲		✓		۱۲
۱	✓			۱۳
۰			✓	۱۴
۰			✓	۱۵
۹	جمع کل امتیاز			

امتیاز دانش آموز عدد ۹ می باشد که با مراجعه به شاخص پرسشنامه عدد ۹ نمایانگر آن است که دانش آموز تا حدی حقه باز متقلب و دروغگو می باشد.

پیشینه پژوهش

دروغگویی زمانی اتفاق می افتد که آنان می خواهند چیزی را توصیف نمایند یا به اصطلاح آرزویی کنند که واقعیت آن چیزی بود که می خواستند. در سنین ۶ یا ۷ سالگی کودکان از زشتی این کار مطلع می شوند. دروغ معمولاً بیان خلاف واقع و یا کتمان یک واقعیت است بنا براین بین این دو جنبه تمایز قایل شویم.

پیازه (۱۹۳۲) به نقل از استریچارتز و برتون (۱۹۹۰) به عنوان یکی از پیشگامان بررسی مفهوم دروغ در کودکان و به دنبال او بسیاری دیگر همچون ویمر، کرویر و پرر (۱۹۸۴، ۱۹۸۵) و استریچارتز و برتون (۱۹۹۰) معتقدند که کودکان کم سن و سال درکی از مفهوم دروغ به عنوان یک عبارت فریب دهنده به منظور همراه کردن دیگران ندارند. آنها تمام اشتباهات را دروغ قلمداد می کنند. و تشخیص نمی دهند که گفته یک شخص به دلیل عدم آگاهی او از واقعیت دروغ نیست، بلکه فقط یک اشتباه است.

تالوار (۲۰۰۷) می گوید: دروغ یک نشانه است، نشانه ای از مشکل بزرگی که در پشت آن است و کودک برای حفظ امنیت در خود از این راهبرد استفاده میکند.

مطالعات طولی نشان می دهند کودک ۶ ساله ای که مرتباً دروغ میگوید در صورتی که دروغگویی برایش راهبرد موفقی جهت مواجهه با موقعیتهای سخت اجتماعی شود همچنان دروغگو باقیخواهد ماند.

بررسی های علمی نشان میدهد که بیش از ۷۰ درصد دروغ های کودکان به علت ترس از تنبیه شدن است. بنابراین به کودک اطمینان بدهید که اگر به شما راست بگوید، تنبیه نخواهد شد. اگر کودک به دلیل راستگویی تنبیه شود در آینده نیز برای رهایی از مجازات دروغ خواهد گفت. (poblinger 2007)

در تحقیقاتی که روی کودکان در خانه هایشان انجام گرفته نتایج بیانگر آن است که کودکان ۴ ساله، هر دو ساعت یکبار دروغ میگویند، در حالیکه یک کودک ۶ ساله، هر یک ساعت، یک دروغ میگوید. تعداد کمی از کودکان استثناء هستند. کودکان خیلی زودتر از آنچه انتظار داریم دروغ گفتن را یاد می گیرند.

بیان خلاف واقع، ممکن است از روی عمد و یا به واسطه عدم قدرت تشخیص واقعیت باشد. مثلاً کودکی ممکن است چهار کودک را در کوچه دیده باشد و عده آنان را هفت نفر ذکر کند. یک دلیل این بیان غیر واقعی می تواند عدم قدرت تمیز بین ۴ و ۷ باشد و دلیل دیگر این است که او میخواهد بگوید عده بچه ها یی را که دیده خیلی بوده بنابراین آن را افزونتر از واقع بیان کند. بدیهی است که در این قسمت زمینه ذهنی، پیامد های رفتاری و تربیتی را مد نظر قرار دهیم و اگر مسأله عدم تشخیص یا درک ذهنی باشد در این صورت اطلاق دروغگویی بعید به نظر می رسد. در مقابل کتمان واقعیت نوعی از دروغگویی است که مستلزم تواناییهای ذهنی بیشتر در کودکان است و معمولاً از سنینی بروز می کند که کودک ضمن برخورداری از توان استفاده از برخی از سمبل ها و علائم در افکار و اعمال خود، تجارب و یادگیریهای در این زمینه دارد و از پوشیدن واقعیت به عنوان وسیله ای برای رسیدن به هدفهایش بهره می گیرد.

دروغگویی مانند بیماریهای دیگر روانی و عاطفی ابتدا از یک مسئله ساده و کوچک آغاز می شود و چنانچه به موقع درمان نشود به یک بیماری روحی تبدیل می شود. یکی از عوارض و مشکلات دروغگویی، بی اعتباری و سلب اعتماد مردم است. دروغ اعتماد دو جانبه بین افراد را از بین می برد و به آن لطمه می زند و سبب بدبینی می گردد. همچنین فاش شدن دروغ شخص باعث می شود تا آبروی او بریزد و ارزش و اعتبار خود را از دست بدهد. دیگر اینکه سخن فرد دروغگو را حتی در مواردی که راست هم بگوید، باور نمی کنند. علاوه بر همه اینها دروغ موجب دردسر و زحمت برای دروغگو و دیگران است و از عوارض آن از بین رفتن ایمان شخص و گمراهی می باشد. دروغ مانعی برای خودشناسی فرد است. افراد دروغگو غالباً خودشان را غیر از آنچه هستند نشان می دهند. آنها بر اثر تکرار دروغگویی باورشان می شود که واقعاً دارای توانایی هایی هستند و دروغ هایی را که درباره خودشان و دیگران گفته اند باور می کنند و به عنوان حقیقت می پذیرند.

دکتر شکوه نوابی نژاد : سال ۱۳۷۱ در صفحه ۶۳ کتاب رفتارهای بهنجار و نابهنجار خود، دروغگویی را به ۸ دسته تقسیم می کند :

- ۱- دروغ بازی : که برای بیان حوادث تخیلی یا بازی با دیگران از آن استفاده می شود.
 - ۲- دروغ مبهم : که ناشی از ناتوانی کودک در گزارش دقیق جزئیات و یا مطالعه کردن یک مسئله بنا به پیشنهاد و تشویق فرد دیگری است.
 - ۳- دروغ پوچ: که کودک برای جلب توجه دیگران به کار می برد.
 - ۴- دروغ انتقام جویانه : که از نفرت ناشی می شود.
 - ۵- دروغ محدود : که نتیجه ترس از نظم شدید خانوادگی یا تنبیه بدنی است.
 - ۶- دروغ خودخواهانه : دروغ حساب شده ای جهت گول زدن دیگران تا کودک آنچه را می خواهد بدست آورد.
 - ۷- دروغ عرفی یا وفادارانه : که به منظور حفظ و یا مراقبت از یک دوست به کار برده می شود.
 - ۸- دروغ عادی : که به دلیل نتیجه گیری از الگوهای در دسترس گفته می شود. (شکوه نوابی نژاد- ۱۳۷۱)
- یافته های روانشناسان بر این نکته تاکید دارد که گفته های کودکان زیر ۵ یا ۶ ساله بیشتر جنبه خیالبافی دارد. آنها اغلب احساسات و تخیلات خود را درباره پدیده های اطرافشان بیان می کنند. کودکان زیر ۵ سال در دنیای تصور و خیال زندگی می کنند و به اندیشه ها و رویاها و افکار خود وجود خارجی می بخشند و حتی اشیاء بیجان را جاندار به حساب می آورند. درک آنان از چیزها و یا کارهای خوب و بد ضعیف است، به طوری که نمی توانند بین آنها فرقی بگذارند. دروغگویی در کودکان از ۵ یا ۶ سالگی به بعد شروع می شود زیرا از نظر رشد ذهنی آنها به مرحله ای می رسند که به تدریج می توانند راست را از دروغ تشخیص دهند. از این سن به بعد صفت دروغگویی در بعضی کودکان به تدریج شکل می گیرد و گاهی آنقدر شدید می شود که به صورت مرض درآمد و جزئی از شخصیت بزرگسالی او می شود. در واقع می توان گفت پایه و اساس دروغگویی در بزرگسالی از کودکی گذاشته می شود (عباس فرهادی ثابت -۱۳۷۶)
- دروغگو کیست؟ شخص دروغگو علائم و نشانه هایی دارد که با توجه به آنها می توان به دروغگو بودن وی پی برد ، از جمله جاه طلبی - برتری طبی - ترسوئی - بی قراری و عصبانیت - برخورداری از هیجان زیاد - گزافه گویی و خود بزرگ بینی و تنبلی (معمولاً خواستار چیزهایی هستند که استحقاق آن را ندارند) ظاهر سازی انتقاد پذیری و حساسیت زیاد .(حسین نجاتی - ۱۳۷۲)

نشانه های دروغگویی

دروغگویی در کودکان و افرادی که هنوز به دروغ عادت نکرده اند معمولاً با نشانه هایی همراه است. این نشانه ها عبارتند از رنگ پریدگی - واکنش عضلانی - ناراحتی های تنفسی - برافروختگی و سرخ شدن صورت - هیجان زیاد و ضربان شدید قلب - لکنت زبان و دست و پاچه شدن - رفتار تصنعی - خودنمایی - خود فریبی - تناقض گویی و فراموشی. این علائم تا زمانی وجود دارد که فرد بر واکنش های خود مسلط نشده باشد. اما به تدریج که فرد بر واکنش های خود مسلط شد و به دروغگویی عادت کرد. علائم فوق روز به روز کمتر ظاهر می شود تا جایی که فرد بدون بروز هیچگونه نشانه ای به راحتی دروغ می گوید. (عباس فرهادی ثابت -۱۳۷۶)

علل دروغگویی

دروغ گفتن از هر نوع که باشد دارای علت هایی است از این رو برای درمان آن لازم است ابتدا علت های به وجود آورنده این عادت زشت شناخته و سپس درمان شود.

۱- آمیختگی واقعیت و خیال در ذهن کودک

۲- وجود فشارها و تهدید در زندگی

۳- وجود الگوهای دروغگویی در زندگی کودک

۴- عدم اعتماد به نفس

۵- نیازهای ارتباطی

۶- رهایی از رنج

۷- جلب توجه

نشانه های رفتار دروغگویی دانش آموز در مدرسه:

۱- در مورد همه ی موضوع ها و حتی کوچکترین جزئیات ،اغراق می نماید.

۲- درباره آنچه انجام داده و انجام نداده، دروغ می گوید.

۳- تلاش می کند از راه دروغ گفتن درباره ی خود و سایرین ، تصویر خود را در نظر دیگران بهبود بخشد.

۴- احتمالاً فرد تنهایی است.

۵- انتقاد سایرین را نسبت به خود نمی پذیرد و تلاش می کند تا از راه سر هم نمودن داستانهایی معایب خود را پوشش دهد.

۶- تلاش می کند که حمایت سایرین اعم از والدین ، همکلاسان ،معلمان ،مشاوران و مدیران را نسبت به دروغ های خود جلب نماید.

آثار و پیامدهای دروغگویی در مدرسه

۱- یک جو منفی در کلاس ایجاد می شود بطوری که معلم و دانش آموزان باید مراقب رفتارهای دانش آموز دروغگو باشند.

۲- این دانش آموز از سوی معلم و همکلاسان خود طرد می شود.

۳- معلم و همکلاسان دانش آموز در مقابل او حالت تدافعی به خود می گیرد.

۴- ممکن است معلم به این نتیجه برسد که وضعیت نا امید کننده بوده و این دانش آموز تغییر ناپذیر است.

۵- هیچ کس یک دروغگو را دوست ندارد و این امر مسأله را تشدید می کند و باعث رنجش و افسردگی دانش آموز دروغگو می شود.

تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها:

مشکل چنان که قبلاً ذکر شد دروغگویی آذر بود و من در صدد پیدا کردن معضل این کلاس برآمدم و برای رسیدن به راههای مطلوب از روش ۶ پرسش برای تجزیه و تحلیل استفاده کردم.

به شرح ذیل:

۱- چه عواملی باعث شده است که آذر اینقدر دروغگو شود؟

۲- چرا آذر این کلاسها تمایلی به بهبود وضعیت رفتاری ندارد؟

۳- چگونه می توان این وضعیت نامطلوب را به سمت وضعی مطلوب سوق داد؟

۴- چه کس یا کسانی می توانند مرا در رسیدن به هدفم (راهکاری برای بهبود اوضاع کلاسها) یاری دهند؟

۵- از کجا شروع کنم تا بتوانم آذر را به بهبود اوضاع مایل کنم؟

۶- از چه زمانی می توانم اقدامات لازم را در بهبود وضع آذر اجرا کنم؟

یافته های تحقیق

دکتر شکوه نوابی نژاد : سال ۱۳۷۱ در صفحه ۶۳ کتاب رفتارهای بهنجار و نابهنجار خود ،دروغگویی را به ۸ دسته تقسیم می کند:

۱- دروغ بازی : که برای بیان حوادث تخیلی یا بازی با دیگران از آن استفاده می شود.

۲- دروغ مبهم : که ناشی از ناتوانی کودک در گزارش دقیق جزئیات و یا مطالعه کردن یک مسئله بنا به پیشنهاد و تشویق فرد دیگری است.

۳- دروغ پوچ: که کودک برای جلب توجه دیگران به کار می برد.

۴- دروغ انتقام جویانه : که از نفرت ناشی می شود.

۵- دروغ محدود : که نتیجه ترس از نظم شدید خانوادگی یا تنبیه بدنی است.

۶- دروغ خودخواهانه : دروغ حساب شده ای جهت گول زدن دیگران تا کودک آنچه را می خواهد بدست آورد.

۷- دروغ عرفی یا وفادارانه : که به منظور حفظ و یا مراقبت از یک دوست به کار برده می شود.

۸- دروغ عادتى : که به دلیل نتیجه گیری از الگوهای در دسترس گفته می شود.

یافته های روانشناسان بر این نکته تاکید دارد که گفته های کودکان زیر ۵ یا ۶ ساله بیشتر جنبه خیالیابی دارد. آنها اغلب احساسات و تخیلات خود را درباره پدیده های اطرافشان بیان می کنند. کودکان زیر ۵ سال در دنیای تصور و خیال زندگی می کنند و به اندیشه ها و رویاها و افکار خود وجود خارجی می بخشند و حتی اشیاء بیجان را جاندار به حساب می آورند. درک آنان از چیزها و یا کارهای خوب و بد ضعیف است، به طوری که نمی توانند بین آنها فرقی بگذارند. دروغگویی در کودکان از ۵ یا ۶ سالگی به بعد شروع می شود زیرا از نظر رشد ذهنی آنها به مرحله ای می رسند که به تدریج می توانند راست را از دروغ تشخیص دهند. از این سن به بعد صفت دروغگویی در بعضی کودکان به تدریج شکل می گیرد و گاهی آنقدر شدید می شود که به صورت مرض درآمد و جزئی از شخصیت بزرگسالی او می شود. در واقع می توان گفت پایه و اساس دروغگویی در بزرگسالی از کودکی گذاشته می شود

دروغگو کیست؟ شخص دروغگو علائم و نشانه هایی دارد که با توجه به آنها می توان به دروغگو بودن وی پی برد ، از جمله جاه طلبی - برتری طبی - ترسوئی - بی قراری و عصبانیت - برخورداری از هیجان زیاد - گزافه گویی و خود بزرگ بینی و تنبلی (معمولاً خواستار چیزهایی هستند که استحقاق آن را ندارند) ظاهر سازی انتقاد پذیری و حساسیت زیاد.

نشانه های دروغگویی

دروغگویی در کودکان و افرادی که هنوز به دروغ عادت نکرده اند معمولاً با نشانه هایی همراه است. این نشانه ها عبارتند از رنگ پریدگی - واکنش عضلانی - ناراحتی های تنفسی - برافروختگی و سرخ شدن صورت - هیجان زیاد و ضربان شدید قلب - لکنت زبان و دست و پاچه شدن - رفتار تصنعی - خودنمایی - خود فریبی - تناقض گویی و فراموشی. این علائم تا زمانی وجود دارد که فرد بر واکنش های خود مسلط نشده باشد. اما به تدریج که فرد بر واکنش های خود مسلط شد و به دروغگویی عادت کرد. علائم فوق روز به روز کمتر ظاهر می شود تا جایی که فرد بدون بروز هیچگونه نشانه ای به راحتی دروغ می گوید.

علل دروغگویی

دروغ گفتن از هر نوع که باشد دارای علت هایی است از این رو برای درمان آن لازم است ابتدا علت های به وجود آورنده این عادت زشت شناخته و سپس درمان شود.

۱- آمیختگی واقعیت و خیال در ذهن کودک

۲- وجود فشارها و تهدید در زندگی

۳- وجود الگوهای دروغگویی در زندگی کودک

۴- عدم اعتماد به نفس

۵- نیازهای ارتباطی

۶- رهایی از رنج

۷- جلب توجه

نشانه های رفتار دروغگویی دانش آموز در مدرسه:

۱- در مورد همه ی موضوع ها و حتی کوچکترین جزئیات ، اغراق می نماید.

۲- درباره آنچه انجام داده و انجام نداده، دروغ می گوید.

۳- تلاش می کند از راه دروغ گفتن درباره ی خود و سایرین ، تصویر خود را در نظر دیگران بهبود بخشد.

۴- احتمالاً فرد تنهایی است.

۵- انتقاد سایرین را نسبت به خود نمی پذیرد و تلاش می کند تا از راه سر هم نمودن داستانهای معایب خود را پوشش دهد.

۶- تلاش می کند که حمایت سایرین اعم از والدین، همکلاسان، معلمان، مشاوران و مدیران را نسبت به دروغ های خود جلب نماید.

آثار و پیامدهای دروغگویی در مدرسه

۱- یک جو منفی در کلاس ایجاد می شود بطوری که معلم و دانش آموزان باید مراقب رفتارهای دانش آموز دروغگو باشند.

۲- این دانش آموز از سوی معلم و همکلاسان خود طرد می شود.

۳- معلم و همکلاسان دانش آموز در مقابل او حالت تدافعی به خود می گیرد.

۴- ممکن است معلم به این نتیجه برسد که وضعیت نا امید کننده بوده و این دانش آموز تغییر ناپذیر است.

۵- هیچ کس یک دروغگو را دوست ندارد و این امر مسأله را تشدید می کند و باعث رنجش و افسردگی دانش آموز دروغگو می شود.

اینگونه با کودک یا نوجوانی که دروغ می گوید رفتار کنید

۱- کسی که همواره دروغ می گوید، در جستجوی فرصتی برای موفقیت است و یک فرد آگاه می تواند به او در رسیدن به این اهداف از راه مثبت کمک نمایند.

۲- دروغگویی را نادیده نگیرید. تجربه نشان داده که اگر به آن توجه نشود دروغ های بزرگتری خواهد گفت.

۳- سعی کنید که به دلیل اصلی پی ببرید این دانش آموز معمولاً از عزت نفس پایین برخوردار است. دلایل مختلفی در مورد دروغگویی ذکر شد. همه ی عوامل که باعث دروغگویی می شود بعنوان ابزار برای صیانت از خود می باشد.

۴- به کودک اعتماد به نفس بدهید، "تو مجبور نیستی واقعه را شرح دهی من می دانم تو راست می گویی".

۵- نوعی خود کنترلی را جهت افزایش آگاهی از رفتار به کار ببرد و آنان را تقویت کنید.

۶- بجای توجه به دروغ های کوچک به رفتارهای مثبت کودک توجه کنید. او بتدریج دروغگویی را قطع خواهد کرد.

۷- می توانید از تکنیک "منصرف نمودن" استفاده کنید. بدین صورت در هنگامی که احساس می کنید دانش آموز یا کودک شروع به دروغگویی کرده است به نوعی مسیر بحث را عوض نمایید. برای مثال با قطع کردن حرف او بگویید "ممکنه این کتاب را برایم بیاورید".

۸- بجای طرد نمودن این چنین افرادی با وی ارتباط مناسب برقرار نمایید.

۹- قبول کنید که دروغ به مثابه "گریه کردن" برای درخواست کمک است.

۱۰- اگر پی ببرید که علت دروغگویی خانواده است، به مشاوره با والدین بپردازید. در چنین شرایطی به اصلاح خانواده توجه کنید و در نیت و اخلاق و رفتارشان تغییر اساسی ایجاد نمایید.

۱۱- آموزش های اخلاقی و دینی: این آموزش ها، به ویژه همزمان با شروع دوره دبستانی می تواند در جلوگیری از دروغگویی مؤثر باشد. کودکان دبستانی و آمادگی پذیرش قواعد و دستورهای اجتماعی و اخلاقی را دارند و آنها را در رفتارها و ارزیابی های خود از وقایع محیط اطراف، بعنوان ملاک و معیار مورد استفاده قرار می دهند.

اشتباههای متداول در رویارویی با دانش آموزان یا کودکان دروغگو

۱- این دانش آموزان را دروغگو خطاب کنید.

۲- او را نادیده بگیرید.

۳- بخاطر یک صفت -دروغگویی- این دانش آموز را به کلی تحریم نمایید و او را در حاشیه و انزوا قرار دهید.

۴- وقتی او حقایق را بازگو می کند، بلافاصله وی را مورد انتقاد قرار دهید.

۵- بخاطر ترس از اینکه نخواهید به کودک یا دانش آموز کمک کنید از کمک کردن به او دریغ نمایید.

۶- کوتاهی در برقراری ارتباط با والدین او، مدیران مدرسه، مشاوران به منظور کمک به این دانش آموز.

۷- تصور نمایید که هر آنچه این دانش آموز می گوید دروغ است.

۸- تنبیه ها و تهدیدهایی را برای تکرار دروغگویی در آینده در نظر بگیرید.

تجزیه و تحلیل داده ها

باید بچه ها به اهمیت راستگویی و تأثیرات آن پی ببرند .

- تا جایی که امکان دارد به خانواده دانش آموزان کمک شود .

- باید از مجموعه رفتارهای به هنجار و نابهنجار افراد حداقل شناخت را حاصل کرد .

- همکاری والدین و معلم در این زمینه باید فعالانه و مستمر باشد .

- میزان پذیرش فرد دروغگو در مدرسه از طرف معلم و همسالان مورد بررسی قرار گیرد .

- رفتار اجتماعی فرد ارزیابی شده و جهت اصلاح آن اقدام جدی صورت گیرد .

- مصاحبه ی فرد دروغگو به صورت انفرادی صورت گیرد .

- خانواده ی فرد دروغگو را به طرف تفریحات سالم و ورزش سوق داد .

- امیدوار کردن دانش آموز به آینده و تشویق و ترغیب او در رابطه با انجام کارهای خوب .

- مقایسه نکردن دانش آموز با بقیه ی دوستان و همسالان

- آرامش دادن به دانش آموز و استفاده کردن از او جهت سرگروه کلاس و دادن مسئولیت به او

اجرای راهکار های پیشنهادی و نظارت بر آنها:

راهکارهای پیشنهادی را می توان از درون داده ها چنین بدست آورد و نتیجه گرفت:

۱- گرفتن کمک از خود دانش آموزان در حل معضل خودشان با ایجاد ارتباط و دوستی

۲- مشورت و جلسه با اولیای مدرسه و همکاران و گرفتن ایده های ایشان برای حل معضل

۳- مشورت با اولیای دانش آموزان برای حل معضل

۴- ایجاد انگیزه با ترتیب دادن برنامه های متنوع، اردو و برنامه های شاد

۵- تقویت اعتماد به نفس و تشویق و ترغیب ایشان به بهبود اوضاع

۶- توجه به محاسن و ندیدن و اغماض عیوب ایشان تا حدی که به مسئله تربیتشان لطمه نزنند و به آنها کمک کند.

۷- تغییر روش تربیتی و آموزشی از سنتی به نوین

۱- گرفتن کمک از خود دانش آموزان در حل معضل خودشان با ایجاد ارتباط و دوستی. در این مورد چنانچه به خاطر دارم، در اوایل امر به دلیل کم تجربگی خودم و عدم شناختم از دانش آموزان سعی کردم خودم هم کمی خشک برخورد کنم و فکر می کردم اگر با بچه ها راحت تر باشم ممکن است مورد سوء استفاده قرار بگیریم و این را یکی از عواملی دیدم که در خراب شدن اوضاع این کلاسها و ایجاد فاصله بین من و دانش آموزانم و سخت شدن کار مؤثر بود. به طور مثال زمانی که حتی دانش آموزان ابراز علاقه به اینجانب می نمودند حال یا به زبان می آوردند یا به هر نحو دیگری، من نیمه ی خالی لیوان را می دیدم و فکر می کردم همه ی این رفتارهای آنها چاپلوسی است و همین امور باعث ایجاد شکاف و مشکل شد. تا اینکه در طی این مدتی که روی این اقدام پژوهی انجام می دادم به این نتیجه رسیدم

۲- مشورت و جلسه با اولیای مدرسه در راستای حل معضل بچه ها به دلایل ذیل به وقوع نپیوست:

اول اینکه مسئله را با اولیای مدرسه مطرح کردم و از آنها راهکار خواستم و گفتم کاش همه همکارانی که با بچه های این کلاس سر و کار دارند را در یک جلسه گرد هم می آوردم و با مطرح کردن مسئله از نظرات ایشان نیز بهره می بردیم. ایشان گفتند در یک جلسه شورای آموزگاران مسئله را عنوان می کنیم که جلسه شورا یکی دو بار پس از این صحبت تشکیل شد که همیشه متأسفانه مسائلی که از دید مدرسه مهم تر بود مانع از طرح مسئله کلاس شد و این مسئله هیچ گاه در شورا مطرح نشد. این بود که تصمیم گرفتم با ایجاد پرسشنامه از نظرات همکاران استفاده کنم که متأسفانه نسبت به جلسه شورا نتوانست به عنوان راهکاری مؤثر واقع شود. در مورد نظرات اولیای دانش آموزان و جلسه با ایشان هم همین موانع وجود داشت.

۳- در زمینه ایجاد انگیزه با ترتیب دادن اردو و برنامه های شاد اینگونه عمل کردم:
زمانی که تصمیم به رفتن به اردو با بچه ها گرفتم، متأسفانه متوجه شدم بخشنامه آمده که همه ی اردوها لغو شده است. و تنها کاری که توانستم در این مورد انجام دهم این بود که چند بار که کلاس با برنامه ی جشن های پرورشی مدرسه برخورد می کرد و اختیار را به همکاران می دادند که اگر می خواستند می توانستند کلاس را تشکیل دهند، برای آنکه بچه ها بتوانند در آن ساعات از نظر روحی آرام شوند و بتوانند خود را با شادی و شرکت در جشن تخلیه روانی کنند، اجازه رفتن به جشن را به آنها می دادم. در ضمن خودم هم سعی می کردم همراه با آنها و در نزدیکترین مکان به آنها حضوری یا فتم. و متأسفانه با توجه به شرایط تنها کاری که از دستم برآمد اینهایی بود که مطرح کردم و نه بیشتر.

۴- توجه به محاسن و ندیدن و اغماض عیوب ایشان تا حدی که به مسئله ی تربیتشان لطمه نزنند و به آنها کمک کند. در این زمینه سعی کردم همیشه توانایی های بچه های مذکور را درشت تر ببینم و گه گاه برخی کارهای مثبتشان را در کلاس های دیگر به عنوان الگو مطرح کنم. از آنجایی که بچه ها با هم در ارتباط اند و به یکدیگر اطلاع می دهند که فلان معلم راجع به شما چه می گفت، بچه ها باور کردند که نقاط مثبتی هم دارند. یک مرتبه هم از مدیریت مدرسه تقاضا کردم که به عنوان تشویق در صف صبحگاه نامی از این کلاسها بیاورد که این کار در بهبود وضع رفتاری بچه ها خیلی مؤثر بود. در ضمن هر گاه از دفتر به این کلاسها می رفتم حتی به صورت مصلحتی به بچه ها می گفتم: بچه ها جدیداً دفتر از شما خیلی رضایت دارد. این را خودتان می دانستید که خیلی عوض شده اید؟ و این کار خیلی آنها را بزرگ می کرد و در جهت بهبود دیدگاه مسئولان مدرسه سعی می کردم معایب بچه ها را کمتر مطرح کنم، مگر زمانی که به کمک ایشان جداً نیازمند بودم و محاسن بچه ها را بزرگ کرده به مسئولان گوشزد کنم که این کار در بهبود روابط بچه ها با دفتر مدرسه نیز بسیار مؤثر واقع شد.

پس از گرفتن یک آزمون و مشاهده ی نتایج مطلوب تر از گذشته ی ایشان سعی کردم ایشان را تشویق کنم که در جهت جلب اعتماد به نفس و ایجاد انگیزه و ایجاد رابطه ی حسنه ی خودم با بچه ها بسیار مؤثر بود.

پرسشنامه ای ترتیب دادم و نظرات همکاران را جویا شدم که پیشنهادات و اظهار نظرات ایشان نیز مرا در این امر تا حدی یاری رساند.

اجرای راه حل ها :

اجرای راه حل های انتخابی که به طور کامل در اجرای راه حل ها توضیح داده شده اند به من کمک کردند برای بهتر شدن کارم جدولی که تهیه کرده بودم با کمک اولیاء هر ماه پر می شد و تحویل مدیر مدرسه داده می شد با همکاری مدیر مربوطه جداول را در پوشه ای قرار دادم در نتیجه ی کارم را گزارش دادم که خیلی مثمر ثمر واقع شد.

گردآوری شواهد ۲:

با توجه به طرح معضل و یافتن راهکارها پس از پرسش از بچه ها و همکاران و مشورت و همیاری دوستان و همکارانم عکس ها و اسنادی از آذر تهیه کردم که سیر تدریجی بهبود اوضاع کاملاً قابل دریافت بود. با اجرای مراحل انجام شده شادابی و نشاط و صداقت و راستگویی را در آذر مشاهده کردم و خیلی خوشحال بودم که توانسته ام کار مفیدی انجام دهم طبق سفارش رهبر کبیر انقلاب با توجه به بند تحول بنیادین آموزش و پرورش که فرموده اند: محصولات می تحویل این نظام می دهید باید در طراز جمهوری اسلامی باشد یا ویژگیهایی نظیر: مؤمن، پرهیزکار، متخلق به اخلاق اسلامی، با نشاط، خلاق، خود باور و داشته باشند اگر این اتفاق بیفتد می شود.

ارزشیابی تأثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار:

براساس شواهد ۲ تأثیرات اقدامات انجام شده را بنا به دلایل زیر مثبت ارزیابی کردم:

گزارشی از کلاس های مذکور توسط مدیر محترم تهیه شد و تعیین اعتبار از طریق افراد زیر انجام گرفت:

۱- ارزیابی طرح توسط دانش آموزان به وسیله پرسشنامه ۲- توسط خودم

۳- توسط همکاران و آموزگاران ۴- به وسیله کتاب ها

عوامل عدم راست گویی دانش آموزان:

از آن جا که راستی و درستی در فطرت و طبیعت انسان ها به امانت گذاشته شده است، نیازی به علت یابی ندارد؛ مانند شیرینی عسل و شوری نمک که از ذات آن دو می جوشد، ولی دروغ یک امر انحرافی و غیر طبیعی است. دروغ برخلاف وجدان و انسانیت است، فطرت و طبیعت هر انسانی از دروغ نفرت دارد. حتی شخصی که صادق نیست همواره احساس پستی و حقارت می کند و از خودش بیزار است.

یکی از علل انحراف دانش آموزان از راست گویی، تربیت نادرست خانوادگی است. طبیعی است هر کسی در زندگی اشتباهاتی دارد، دانش آموزان نیز از این قاعده مستثنا نیستند؛ بنابراین اگر اشتباهی کردند، ظرفی را شکستند، دیر به خانه آمدند یا نماز آنان قضا شد، نباید پدر و مادر و اولیا و مربیان به صورت خشونت آمیز با آنان برخورد کنند، زیرا گاهی بچه ها از ترس پدر و مادر و مربیان به دروغ پناه می آورند و اگر دروغ مایه نجات و پیشرفت آن ها شد به تدریج آن را ادامه می دهند. در این گونه موارد باید دانش آموزان را به راست گویی تشویق کرد؛ مثلاً گفت: ما هم وقتی سن شما بودیم، از این نوع اشتباهات داشتیم، ولی درس عبرت می گرفتیم تا تکرار نکنیم.

الگوگیری نادرست دانش آموزان از پدر و مادر و مربیان، محیط آلوده، دوستان دروغ گو، شکست ها، محرومیت ها، تحقیرها، آموزش های غلط، موفقیت های نسبی دروغ گوین، عقب افتادگی راست گوین، آگاه نبودن از ضرر و زیان های مادی، معنوی، اقتصادی و اجتماعی دروغ، از جمله علل و عوامل انحراف دانش آموزان از صداقت است. از طرفی تقویت راست گویی و بیان ارزش های آن، احترام به شخصیت افراد، ایجاد محیط امن در خانه و مدرسه وفای به عهد و... از جمله عواملی هستند که موجب گرایش دانش آموزان به راست گویی می شود.

در این قسمت لازم است به چند نکته درباره خطرات دروغ گویی اشاره کنیم تا دانش آموزان آگاهی بیشتری درباره آن پیدا کنند و هیچ وقت دست از راست گویی برندارند.

امام علی(ع) فرمود: (بزرگ ترین گناه در پیشگاه خداوند متعال، زبانی است که بسیار دروغ گوید

امام حسن عسکری(ع) می فرماید: (تمام زشتی ها و گناهان در خانه بسته ای گذاشته شده که کلید آن، دروغ است.)

راهکارهای لازم جهت افزایش صداقت در دانش آموزان:

۱. از ارزش صداقت برای دانش آموزان صحبت کنیم. به آنها بگوییم که این برای همه شما خیلی مهم است که بتوانید همیشه روی همدیگر برای شنیدن حقیقت، حتی اگر سخت باشد، حساب کنید. اگر بین والدین و بچه ها صداقت نباشد، اعتماد و نزدیکی در محیط آموزشی وجود نخواهد داشت. صداقت پایه و اساس روابط و اعتماد و احترام متقابل است. به دانش آموزان بگوییم که برای حمایت و دفاع از آنها هر کاری از دستمان برآید انجام میدهم. وقتی اعتماد از بین برود، زمان زیادی میخواهد تا دوباره ایجاد شود.

نه تنها در کلماتمان بلکه در سبک عملمان هم برای دانش آموزان الگوی صداقت باشیم. اگر خودتمان با دانش آموزانمان صادق نباشیم، نمیتوانیم از آنها انتظار داشته باشیم که حقیقت را به ما بگویند. در واکنش به سوالاتی که میپرسند، سعی کنیم به جای دروغ گفتن، توضیح مختصری بدهیم و در حد سنشان پاسخ دهیم. هدفمان باید ایجاد محیطی آزاد باشد که هیچ پنهان کاری وجود نداشته و همه دانش آموزان برای گفتن حقیقت احساس راحتی کنند.

۲- به دانش آموزان نشان دهیم که تاکیدمان بیشتر بر صداقت آنهاست تا بر تنبیه آنها بخاطر بی صداقتی شان. بله میتوانیم برای دروغ دانش آموزان عواقبی در نظر بگیریم اما لازم است که برایشان توضیح دهیم که راستگویی شان هم فوایدی برایشان خواهد داشت. گر هنوز لازم میدانید که باوجود گفتن حقیقت، تنبیهی برایشان در نظر بگیرید، اینکار را با دقت و ملاحظه انجام دهید و با وجود آن تنبیه، از صداقتشان تشکر کنید.

۳- صداقت و راستی و اینکه خداوند ناظر اعمال ماست را به دانش آموزان آموزش داده و سعی کنیم از مراقب در جلسات امتحان استفاده نکیم (امتحان بدون حضور مراقب و مقایسه نمرات دانش آموزان در زمان حضور مراقب) این کار صداقت را در آنها نهادینه می کند

- ۴- محول کردن هزینه پرداخت خوراکی از بوفه مدارس به دانش آموزان بدون حضور بوفه دار این کار به آنها کمک می کند تا با خودشان صادق باشند و در صورت عدم پرداخت احساس گناه کنند
- ۵- قوانین و مقررات سخت در کلاس ایجاد نکنیم زیرا دانش آموزان راههای فرار از آنها پیدا خواهند کرد
- ۶- تفاوت های فردی دانش آموزان را بشناسیم و در سدد براییم تا به نیازهایی که آنان را وادار به دروغگویی و عدم صداقت می کند در حد امکان پاسخ دهیم
- ۷- ورزش صبحگاهی در مدارس در تقویت صداقت دانش آموزان و ایجاد آرامش آنها تاثیر به سزایی و مثبتی دارد
- ۸- متناسب سازی حجم و محتوی کتب درسی با توانمندی ها و ویژگی های دانش آموزان
- ۹- تقویت روحیه تعاون و همکاری و کارگروهی بین دانش آموزان و پرهیز از ایجاد رقابت های ناسالم
- ۱۰- مشارکت دانش آموزان در عرصه های دینی، فرهنگی، اجتماعی
- ۱۱- حضور روحانیون توانمند و مبلغان مذهبی مجرب در مدرسه.
- ۱۲- مشاوره تربیتی دانش آموزان مبتنی بر مبانی اسلامی با به کارگیری مشاوران متخصص در تمام پایه های تحصیلی.
- ۱۳- شاداب سازی فضای مدارس و ایجاد جذابیت و نشاط در نمازخانه مدرسه

صداقت درونی باید بر اساس عقل و خرد پی ریزی شود:

صداقت زمانی ایجاد می شود که هیچ گونه تضادی میان افکار، الفاظ و اعمال افراد وجود نداشته باشد. این خصیصه اخلاقی باید در ابتدا در درون خود فرد معنا پیدا کند و سپس در برابر دیگران در معرض ظهور گذارده شود. یک فرد راستگو همواره به وجدان خود می گوید: "من با تو و با تمام انسان های دیگر با راستگویی برخورد می کنم." باید همیشه کارهایی را انجام دهید که برای رابطه شما مفید و مناسب باشد. اگر باطناً صادق باشید، دیگر هیچ جایی برای نیرنگ و ریاکاری - که موجب ایجاد اغتشاش در اذهان و افکار می شوند - باقی نخواهد ماند. وجود صداقت به منزله خط سیر شما به سمت کمال به شمار می رود، چراکه ظاهر شما، آئینه ای از تمایلات درونی تان است.

اگر می خواهید صادق باشید، باید دقیقاً همانطور که فکر می کنید، صحبت کنید؛ و رفتار تان نیز دقیقاً مطابق گفته هایتان باشد. اگر بتوانید یک چنین اتحاد و هماهنگی میان افکار، الفاظ و اعمال خود بوجود بیاورید، می توان شما را به عنوان نمونه کامل یک انسان شریف به دیگران معرفی کرد. کسانی که اصل صداقت را رعایت نمی کنند، دور تا دور خود مرز می کشند و تمایلی به برقراری ارتباط متقابل با دیگران ندارند، این امر در حالی است که سایرین نیز هیچ گونه تمایلی به برقراری ارتباط با چنین افرادی ندارند.

ممکن است برخی از افراد با خود بگویند که: "من انسان صادقی هستم، اما هیچ کس مرا درک نمی کند." این صداقت نیست؛ صداقت درست مثل یک تکه الماس درخشنده است که درخشش آن تحت هیچ شرایطی از چشم ها پنهان نخواهد ماند و طبیعتاً ارزش آن در رفتار و برخورد دیگران در برابر شما نمایان خواهد شد. صداقت درونی باید بر اساس عقل و خرد پی ریزی شود تا قدرت و استقامت شما را در زندگی افزایش دهد. اگر بتوانید با درون خود با قاطعیت کامل برخورد کنید، آنگاه خیلی راحت تر می توانید به توانایی های بالقوه خود اتکا کرده و از آنها کمک بگیرید. این امر سبب می شود که رفته رفته حس عزت نفس در شما افزایش پیدا کند و به واسطه آن جرات شما نیز چند برابر خواهد شد. اگر شما از نظر باطنی نسبت به فرد، شیء، و یا عقیده ای دلبستگی داشته باشید، این وابستگی به عنوان مانعی بر سر راه حقیقت بینی و واقع گرایی قرار می گیرد و ممکن است رفتار هایتان به طور ناخواسته و به مثابه تفکرات تان تغییر پیدا کند. از آنجاییکه رفتار و اعمال انسان ها آئینه تمام نمای شخصیت و ذهنیت آنها هستند، شما نباید به خود اجازه دهید که به خاطر وابستگی، منفی گرایی به صورت ناآگاهانه به سراغتان بیاید. خودخواهی، افکار مبهم، عادات نامتعارف و افکار منفی، صرفاً به منزله لکه هایی هستند که روح شما را تیره می کنند. در مقابل، صداقت می تواند به عنوان پاک کننده تمام این خصوصیات ناشایست عمل کند.

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که استفاده از واژه های «الکی»، «شوخی» و یا «دروغ» نباید در خانواده رواج داشته باشد و کودک باید بداند دروغ در هر شکلی ناپسند است. سیامکی با بیان این مطلب که بهتر است ریشه دروغگویی کودک را دریابیم، تاکید می کند: بهتر است به جای در نظر گرفتن تنبیه یا تهدید کودک تلاش کنیم به موضوع از دید کودک بنگریم تا دریابیم کودک از دروغگویی چه نفعی می برد و به دنبال چیست. سپس به او نزدیک شویم. همچنین هرگز انگ دروغگو بودن به کودک ننسیم. بهتر است به تخیلات کودک احترام بگذاریم و او را بابت حرف زدن درباره موضوعاتی مثل غول و فرشته و حیوانات عجیب و غریب سرزنش نکنیم.

گاهی والدین از دروغگویی مقابل کودک اجتناب می کنند اما در عوض پنهان کاری را به او یاد می دهند. پنهان کاری هم شکل دیگری از دروغ است و در طول زمان کودک یاد می گیرد که چه طور حرف بزند تا متهم به دروغگویی نشود. همچنین کاهش اعتماد به نفس در کودک با تمایل به دروغگویی در ارتباط است و بچه هایی که عزت نفس پایین دارند به «خودپاری کاذب» یا به عبارتی به اغراق در بیان توانایی ها و حوزه اختیارات خود روی می آورند تا آن خلاء را جبران کنند.

اگر دروغگویی در دوران دبستان درمان نشود همزمان با رشد کودک شاخه و برگ بیشتری پیدا می کند و درمان آن دشوارتر می شود. سیامکی خوششان با اشاره به این مطلب می گوید: یک دانش آموز دبیرستانی ناخواسته دروغ نمی گوید بلکه با ظرافت و زیرکی واقعیت را طور دیگری جلوه می دهد. اغلب این دانش آموزان برای فرار از تنبیه یا دریافت پاداش دروغ می گویند. این امر حاکی از آن است که شالوده رفتار اخلاقی در دوران کودکی آن ها به درستی پی ریزی نشده است و حالا در دوران بزرگسالی برای رسیدن به اهداف خاص دروغ می گویند. در این سنین فشارهای والدین موقعیت را بدتر می کند و راهی جز دروغگویی برایشان باقی نمی ماند.

منابع و مأخذ

- ۱- میرزابیگی، علی، (۱۳۸۲)، نقش هنردرآموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان، تهران، انتشارات مدرسه، چاپ چهارم.
- ۲- هاجری، ضیاءالدین، (۱۳۷۲)، آنچه یک معلم باید بداند، تهران، انتشارات راد، چاپ اول. (کتاب مذکور ترجمه می باشد، امانام مؤلف در آن نوشته نشده است.)
- ۳- اخوان علیزاده، الهه - علل پرخاشگری کودکان، مجله تربیت دوره دهم شماره ۷ فروردین ۱۳۷۴
- ۴- دکتر شکوه نوایی نژاد: رفتارهای بهنجار و نابهنجار، صفحه ۶۳، سال ۱۳۷۱
- ۵- حسین نجاتی، روانشناسی کودک (حرکت، تلاش، تکاپو) چگونگی رفتار با کودکان، ۱۳۷۲
- ۶- عباس فرهادی ثابت، مهارتهای مؤثر برای حرف شنوی کودکان و نوجوانان ۱۳۷۶
- ۷- دکتر شفیع آبادی، راهنمایی و مشاوره کودک -۱۳۷۲